

## عوامل موثر در تعاملات فرهنگی و تمدنی مسلمانان و مسیحیان در اندلس (عصر اموی)

<sup>1</sup> سیدعباس وزیری

<sup>2</sup> احمد اشرفی

<sup>3</sup> محمدنبی سلیم

تاریخ دریافت: 97/08/09

تاریخ پذیرش: 97/09/13

### چکیده

پس از شکل‌گیری حکومت اسلامی توسط پیامبر در یثرب، مدنیت اسلامی نیز پایه‌گذاری نمادین شد. در پی گسترش اسلام در جزیره‌العرب، بین‌النهرین، ایران، روم، مصر، ماوراءالنهر، شمال آفریقا و سرانجام جنوب اروپا، تمدن نوپای اسلامی وارد مرحله جدیدی گردید. لذا تلاش بیشتر برای تعاملات فرهنگی و نیز شکوفایی، توسعه و انتقال تمدن اسلامی احساس شد. اسپانیای اسلامی قبل از ورود مسلمانان به لحاظ فرهنگی و تمدنی وضعیت مناسبی نداشت، با استقرار حکومت امویان (138-422ق)، حاکمان اموی با تدبیر، تسامح و عقلانیت مدنی در صدد شکوفایی تمدن اسلامی در این خطه برآمدند. آنچه در این نوشتار با تکیه بر روش تاریخی بر آن تاکید می‌شود این است که؛ چه عواملی در تعاملات فرهنگی و تمدنی اسلام و مسیحیت در اندلس عصر امویان تاثیر داشته است؟ یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که راز موفقیت امویان اندلس، تکیه بر آموزه‌های دینی، حاکمیت مبتنی بر عقلانیت، تلاش دانشمندان و تسامح و تساهل حاکمان بوده، که رشد و شکوفایی تمدن اسلامی را در پی داشته و به ثبات آن در این منطقه یاری رسانده است.

**کلیدواژه‌ها:** مسلمانان و مسیحیان، تعاملات فرهنگی و تمدنی، اندلس، دوره امویان.

<sup>1</sup> دانشجوی دکتری تاریخ اسلام واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران [vaziryabass@yahoo.com](mailto:vaziryabass@yahoo.com)

<sup>2</sup> استادیار، گروه تاریخ، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران [a.ashrafi1343@yahoo.com](mailto:a.ashrafi1343@yahoo.com)

<sup>3</sup> استادیار، گروه تاریخ، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران [geneos1967@gmail.com](mailto:geneos1967@gmail.com)

## مقدمه

تاریخ تمدن بشری را باید رهاورد همکاری و داد و ستد فرهنگهای خلاق و بزرگی دانست که یکی از نمودهای آن، تمدن و فرهنگ اسلامی است. مدنیتی که محدود به زمان یا جغرافیای خاصی نبوده است و از طریق همگرایی با تمدنهای دیگر، کامیاب شده است. اسلام پس از ورود به سرزمین ایبری<sup>1</sup> در جنوب غربی اروپا، موفق شد تا اساس نظام سیاسی و فرهنگی خود را در این بخش از قاره سبز مستحکم سازد. آن هم در شرائطی که اروپائیان در پواتیه<sup>2</sup> مانع از ورود اعراب مسلمان به قلب اروپا شده بودند. طی مدت هشت قرن، نظام اسلامی توانست رابطه تنگاتنگی با جغرافیا و جمعیت ایبری برقرار سازد و فرصت کافی برای نفوذ در ساختار اجتماعی و فرهنگی آن سرزمین، کسب نماید، ساختاری که با تمدن اسلامی درآمیخت و با آن به یگانگی رسید. در نتیجه این همزیستی پایدار، تمدنی پویا و پررونق در اندلس شکل گرفت. در این دوران، طبیعی بود که تمدن برتر، دیگری را تحت تاثیر قرار دهد و لذا تمدن اسلامی بر مسیحیان و فرهنگ آنها به نحو شگرف، اثر گذاشت. مصادیق چنین اثربخشی را می توان در برآمدن اقشار مستعرب<sup>3</sup> و مدجنین مشاهده کرد و یا در نقل و انتقال میراث فرهنگی و علمی مسلمانان به اسپانیای مسیحی و از آن جا به اروپا دید.

در این پژوهش، مهمترین عوامل تعاملات اسلام و مسیحیت در اندلس در سده های زمامداری خلفای اموی (138-422 ه.ق/ 755-1030 م) به بحث گذاشته می شود. یک عامل مهم، همانا تبادلات علمی و فرهنگی بود که پیروان دو دین آسمانی، از طریق آن، بدون در نظر گرفتن تمایزات مذهبی و قومی، به همگرایی و اشتراک عمل مبادرت می کردند. در شرائطی که فرهنگ اندلس حاصل دیالکتیک فرهنگ عرب گرا و ملیت گرا بود، قبول حاکمیت اصل رواداری، مورد پذیرش گروههای تابع و متبوع در اسپانیای مقارن با قرون وسطی غرب بود. حقیقتی که سیاسیون و دانشوران اندلسی را به اقتباس فرهنگی و نخبگان اسپانیولی را به همکاری با فاتحان غیرمسیحی وادار می ساخت.

تا پیش از ورود اسلام به این خطه، محدوده جغرافیایی زندگی آنان صحنه نبردها و جدال ها بویژه از ناحیه ویزیگوت ها بود. اندلس به دلیل ترکیب چند فرهنگی از پیروان ادیان الهی و با برخورداری از فرصت فراهم شده از ناحیه تسامح حاکمان مسلمان، این بستر را ایجاد کرده بود که دو گروه اقلیت و اکثریت، در جهت سودآوری سرمایه های انسانی و افزایش بهره وری اجتماعی از مردم مسیحی، به هم افزایی در عرصه های تمدنی دست پیدا کنند. دستاورد این رویه اخلاقی، فصلی از شکوفایی همه جانبه تمدن و فرهنگ اسپانیای مسلمان بود که حضور دانشوران، هنرمندان و فعالان اجتماعی آن را

پر بار و مششع نموده بود. طی سه قرن حاکمیت امویان، نظام اسلامی توانست رابطه تنگاتنگی با جغرافیا و جمعیت ایبری برقرار سازد و فرصت کافی برای نفوذ در ساختار اجتماعی و فرهنگی آن سرزمین را کسب نماید.

در نتیجه اصل رواداری اسلام و تسامح حاکمان مسلمان و با وجود دوره های متناوب جنگ و صلح، تمدنی پویا و پررونق با توانایی بالا در داد و ستد، در اندلس شکل گرفت. بدین ترتیب، تمدن اندلس «بر اساس جذب جمعیت اسپانیولی و بربر در فرهنگ عربی و اسلامی بنا شد و با ثروت و رفاه اقتصادی بی سابقه ای بالندگی یافت»<sup>4</sup> و در نتیجه اسپانیای اسلامی به پیشرفتهای چشمگیری در زمینه های علمی و هنری دست یافت. از جمله، شهر قرطبه، به یکی از مراکز علمی برجسته آن روزگار تبدیل شد، تا جایی که به سبب آوازه آن، دانش پژوهانی از اروپا، آسیا و آفریقا جذب اندلس شدند. در هنرهای دیگر مانند خطاطی، نقاشی و سفالگری هم آثار ارزشمندی خلق شد که همه اینها نشان دهنده شکوفایی تمدن اسلامی در اندلس است.

اگر عقلانیت و تسامح حاکمان اسلامی نبود، نوزایی علمی و فرهنگی در اندلس رخ نمی داد و دانشوران برجسته و تالیفات ارزنده این سرزمین، کارنامه درخشان تمدن اسلامی را جلوه ای فزونتر نمی بخشید. لذا، ضرورت دارد تا علل موثر در شکوفایی تمدن اسلامی در این خطه بازخوانی و بررسی شود، تا شاید از این رهگذر، چگونگی پویسهای فرهنگی در اندلس و جایگاه آنها در روند تطور فرهنگ و تمدن اسلامی و نیز ریشه یابی علل رویارویی آن با تمدن غرب واکاوی شود.

بی تردید برای روشن شدن روابط و تعاملات فرهنگی میان مسلمانان و مسیحیان اندلس نیاز به تحقیقات بیشتری است. خاصه که در این میان، فهم روابط شرق و غرب در قرون میانه و یا مناسبات تمدنی جهان اسلام و مسیحیت، از ضروریات مطالعه است. در تالیفات محققان معاصر، اشارات متعدد و کوتاه به برخی از محورهای این موضوع وجود دارد. به عنوان مثال: کتاب کندوکاوی در تمدن اندلس از ذنون طه، تمدن اسلام و عرب از گوستاولوبون، تمدن اسلامی از ژوزف بورلو، اسپانیای اسلامی از وات مونتگمری، هفت قرن فراز و نشیب تمدن اسلامی در اسپانیا از اولاگوئه، علل انحطاط حکومت مسلمانان در اسپانیا از سید طهطاوی و... که به بررسی کلیاتی از تحولات تمدنی و اخلاقی اسلام در غرب پرداخته اند، تنها اشاراتی در باره نمونه های رشد فرهنگی و توسعه علمی اندلس دیده می شود. نیز مولفانی که به تاریخ اندلس اهتمام داشته اند، تنها توصیفات کلی را در این باب به رشته تحریر درآورده و از جنبه تحلیل و ارتباط شناسی موضوع با تحولات اخلاقی کمتر پرداخته اند. هر چند

در کتاب مُدْجَنان، پژوهشی در تعامل و تقابل اسلام و مسیحیت در اسپانیا از عبدالله همتی گلیان، این موضوع تا حدودی به بحث گذاشته شده است. همچنین، محمد رمضان پور در کتاب «اندلس، مظهر اسلام در اروپا: تاریخ فرهنگ و تمدن مسلمانان در مغرب زمین» سعی دارد تا به فراخور نیاز ولی بسیار اندک، به انواع اقدامات فرهنگی و تمدنی مسلمانان در اروپا و اندلس بپردازد.

### آموزه های دینی روشنی بخش و آغاز گر راه

دستورات پیامبر اسلام که بنای حکومت خود را بر تشکیل جامعه مدنی و دعوت جامعه به سوی دانایی نهاده بود و نیز سایر پیامبران آسمانی همچون عیسی مسیح، مسیر تحقق ایجاد تمدن را فراهم کرده است. براین اساس در اندلس بین دو جامعه مسلمان و مسیحی حاضر تا حدودی تعاملات فرهنگی و مدنی بوجود آمده است که کمک فراوانی به توسعه تمدن اسلامی لااقل در عصر امویان نموده است.

علاوه بر وجوه تشابه بین دو کیش توحیدی اسلام و مسیحیت، شواهد تاریخی نشان از همکاری بین مسلمانان و مسیحیان در نخستین مقاطع تاریخ اسلام دارد. هم چنان که اشارات متعدد قرآن به تاریخ مسیحیت و یا همسازگرایی اسلام با اندیشه حیات جاوید عیسی مسیح(ع)، که بیانگر فرجام خوش دو دین الهی است. در سده نخست هجری قمری، اهتمام پیامبر اکرم(ص) به روابط دوستانه با مسیحیان نجران و یا عقد پیمانی درباره همزیستی با مسیحیان در سال 2 ه.ق<sup>5</sup> و ارسال نامه به حکام مسیحی دول همجوار و ... همگی بر این موضوع شهادت می دهند.

تسامح و رواداری حاکمانی همچون عبدالرحمن ناصر(حک: 300ق - 350ق)، سرآغاز عصر نوینی در انتشار و تبلیغ تمدن و فرهنگ اسلامی در سمت باختر زمین گردید. بدین گونه، اسلام توانست با چهره موجه دیگری به معرفی خود به تمدن های دیگر بپردازد و پویا و استوار به حیات خویش ادامه دهد.

قابل تامل است که حتی فتح اسپانیا توسط مسلمانان، باعث شد تا زمینه آشنائی بشر با دریاها و ناشناخته در سمت غرب اروپا فراهم گردد و مسلمین با پذیرش اصل کروی بودن زمین، در باره دریاها و اقیانوس ها، اطلاعاتی بیش از اروپای مسیحی داشته باشند. به طوری که مورخان به سفر دریایی مسلمانان به اقیانوس اطلس، پیش از مسافرت مشهور کریستوف کلمب، اشاره دارند.<sup>6</sup>

از این نظریه نباید غفلت کرد که: راهکار سیاسی خلفا در اعتمادسازی تابعین و واگذاری بعضی مناصب حکومتی به مسیحیان اندلس و نیز بخشیدن تیول به جماعات مهاجر، در گسترش مسلمانان

در جغرافیای ایبری نقش داشته است، «سکونت‌های پراکنده در عربی کردن و اسلامی کردن اسپانیا بیش از اندازه موثر بود».<sup>7</sup>

### تسامح حاکمان اسلامی: زمینه ساز شکوفایی تعاملات فرهنگی و تمدنی

تقریباً اتفاق نظر کامل بین مورخان در خصوص تسامح و تساهل حاکمان اموی اندلس در فرآیند انتقال تمدن میان مسلمانان و اروپاییان وجود دارد. طی این هشت قرن که مسلمانان و اسپانیایی‌ها در کنار هم می‌زیستند، نه تنها در ایام صلح، که در زمان جنگ نیز، مسلمانان با مسیحیان و یهودیان و دیگر اقلیتهای قومی و مذهبی، امتزاج یافته بودند. به تعبیر یک مورخ اسپانیولی «در ایبری هرگز معلوم نشد شرق از کی و از کجا پایان می‌پذیرد یا غرب آغاز می‌شود».<sup>8</sup> مسلمانان با ساکنان محلی در هم آمیختند و تمدن شرق و غرب با یکدیگر ترکیب شد، تا جایی که همه شبه جزیره ایبری را فرا گرفت. همسرگزینی مسلمانان از بین مردم اسپانیا سبب شد که طی چند نسل، کسانی چون خلفای اموی که از نظر نژاد عرب خالص بودند با اهالی اسپانیا هم خونی یابند.

تردید نیست که ارتقای پایگاه اجتماعی مسیحیان در اسپانیا، ناشی از فرهنگ رواداری و اوضاع مناسب زندگی تحت حاکمیت اسلام بود. در روزگار اوج قدرت و شوکت حکومت اسلامی در اندلس، مناطق همجوار تحت سکونت مسیحیان، شاهد خفقان و سیطره بی رحمانه فتودالها و اربابان کلیسا بود. اما خلفای مسلمان، به اهل کتاب مشارکت دادند. به طوری که مسیحیان در قرطبه و سایر نقاط اندلس، صاحب مناصب و مسئولیت‌هایی در سپاه یا اداره مملکت شدند و مورد وثوق طبقه حاکم قرار گرفتند.<sup>9</sup> شهروندان مسیحی و اهل ذمه در دولت اسلامی، اعمال مذهبی و جشن‌های دینی خود را با آزادی کامل انجام می‌دادند.<sup>10</sup>

در راستای تسامح حاکمان اسلامی، حتی اگر در بعضی نقاط، کلیسایی وجود نداشت در ضلع غربی مساجد مسلمانان عبادتگاهی برای مسیحیان ساخته می‌شد و همین خوشرفتاری از سوی مسلمانان باعث شد تا عده زیادی از مسیحیان به سوی اسلام گرایش پیدا کنند.<sup>11</sup> هنگامی که اختلافی بین یک مسلمان و مسیحی اتفاق می‌افتاد؛ آن دو به دادگاه‌های اسلامی مراجعه می‌کردند و در اینجا، مرجع صالح برای حل اختلاف، «قاضی الجماعه» بود. کسی که علاوه بر آگاهی کامل از قوانین اسلامی، از نظام و قوانین قدیم گوتها نیز آگاهی وافی داشت.<sup>12</sup>

در زمینه مسائل اجتماعی و نظام خانوادگی، تعاملات مناسبی وجود داشت. ازدواج مسلمانان با مسیحیان یکی از مظاهر این مناسبات اجتماعی به شمار می‌رود.<sup>13</sup> به علاوه، شکل‌گیری روابط

فامیلی، همگرایی گسترده ای میان مسلمانان و مسیحیان اندلس و نیز همسایگان اسپانیایی آنها در شمال ایجاد کرد؛ امری که تأثیر آشکاری در ارتباط و اختلاط میان دو ملت داشت.<sup>14</sup>

بدین ترتیب، تبادلات علمی و تمدنی بین مسلمانان و مسیحیان در حال گسترش بود. فرایندی که به دنبال فتح نواحی اسپانیا رخ داده و راه های ارتباطی جدیدی بین طرفین گشوده شده است. مسلمانان به صورت فردی و گاه جمعی از طریق امضای قرارداد با مسیحیان این وضعیت را می پذیرفتند.<sup>15</sup> این تعاملات فرجام خوبی داشت و باعث شده بود مسیحیان شمال چندان اشتیاقی به تبلیغ مسیحیت و دفاع از آن نداشته باشند و تا سده 5 ه.ق / 11 م فاقد هر گونه طرح و برنامه ای برای بازپس گیری سرزمین های خود بودند.<sup>16</sup>

بنابراین در مجموع حاکمیت مبتنی بر تسامح و عقلانیت حاکمان اسلامی در عصر امویان نتایج ذیل را در پی داشت:

1. شکوفایی علمی و تمدنی
2. رشد اقتصادی و تجاری
3. احیای روحیه اخلاقی در جامعه
4. ایجاد تعاملات بین الادیانی
5. ثبات تمدن اسلامی در اندلس
6. ایجاد عدالت قضایی با مراجع صالحه
7. تسلط بر دریای مدیترانه
8. توسعه صادرات به سایر نقاط اروپا و افریقا
9. تجلی آثار معماری و شهرسازی (مساجد و کاخ ها)
10. ایجاد رضایتمندی در تابعان
11. یکپارچگی و شکل گیری روابط فامیلی در جامعه.
12. موفقیت در اداره حکومت.

### دانش پزشکی، زمینه‌ای برای تعاملات و شکوفایی تمدنی

از منابع تاریخی بر می‌آید که نخستین فعالیت‌های پزشکی در اسپانیای اسلامی با همکاری اطبای شرق صورت می‌گرفت. در زمان فرمانروایی عبدالرحمن دوم (206-238 ه.ق) پزشکانی که در عراق تربیت شده بودند، یک مدرسه پزشکی را در قرطبه گشودند و بررسی و مطالعه آثار محققان یونانی را آغاز کردند. عریب بن سعد، کاتب خلیفه عبدالرحمن سوم، در سده چهارم هجری به تالیف اثری با عنوان چگونگی پیدایش جنین پرداخت.<sup>17</sup> از دیگر اطبای این سده، ابوداود سلیمان بن حسن معروف به ابن جلجل، بود که قدیمی‌ترین اثر در باب تاریخ پزشکی را براساس نسخ شرقی و یونانی به زبان عربی با عنوان «طبقات الاطباء و الحكماء» تالیف کرد. همو اثر دیگری نیز با عنوان تفسیر اسماء الادویه المفردة نوشت که، بر اساس کتابی بود که امپراتور بیزانس به خلیفه اموی اندلس اهدا کرده بود.<sup>18</sup> پزشک معروف دیگر، خلف بن عباس الزهراوی (د 403) یک دایره المعارف پزشکی تالیف کرد که نخستین بار جرارد کرمونایی در سده ششم هجری/ دوازده میلادی به لاتینی برگرداند. کتابی که در قرون میانه در زمینه جراحی متن درسی بود، و تا مدت‌ها جراحان اروپایی براساس راهنمایی آن جراحی می‌کردند.<sup>19</sup>

طی این نوآوریها و پویسهای علمی، تالیفات و تحقیقات پزشکان مسلمان با همکاری همکاران غربی آنها به ترجمه و چاپ نیز می‌شد. هم چنان که تالیفات سرشناس حکمایی چون ابن رشد ترجمه و بارها در اروپا چاپ شد.<sup>20</sup> بدین ترتیب آموزه‌های پزشکی مسلمانان به وسیله ترجمه‌هایی که از آثار آنان به لاتینی به خصوص در سده دوازده میلادی و غالباً در شهر طلیطله انجام شدند، به سایر مناطق اروپا انتقال یافت و کسانی همچون قسطنطین آفریقایی، جرارد کرمونایی و فرج بن سالم، پزشک یهودی، نقش عمده‌ای در برگرداندن آثار پزشکی عربی به لاتینی داشتند. کاربرد بسیاری از اصطلاحات پزشکی عربی در زبان‌های اروپایی، حاکم از آن است که طب اسلامی در سطح وسیعی بر پزشکی اروپا تاثیر نهاده است.<sup>21</sup>

از نمونه‌های دیگر همکاری و تعامل این بود که در اسپانیای اسلامی، مسیحیان و یهودیان دانش پزشکی را نزد اطبای مسلمان می‌آموختند و با اجازه و گواهی آنان می‌توانستند به حرفه پزشکی بپردازند. نیز در هر شهری حداقل یک بیمارستان وجود داشت که پزشکان آن مکلف بودند به افراد بی‌بضاعت مسلمان و مسیحی خدمات رایگان ارائه دهند. گفته شده که در عصر خلافت شهر قرطبه،

حدود چهل بیمارستان داشتند که خدمات پزشکی به تمام ساکنان قرطبه اعم از مسلمان و مسیحی ارائه می کردند.<sup>22</sup>

یک نمونه از پزشکانی که خدماتش را، توامان به جامعه مسیحی و مسلمان ارائه می کرد، ابن جُلجل اندلسی (د 332 ق / 944 م) بود، نویسنده کتابهایی چون «تاریخ الحکما» و یا «طبقات الاطباء» که قدیمی ترین تاریخ عربی موجود درباره پزشکان مسلمان است.<sup>23</sup> به علاوه می توان از ابن سعد قرطبی، ابن وافد و... یاد کرد.<sup>24</sup>

از همه مهمتر، در این عرصه، مسلمانان با ورود به اندلس، وضعیت بهداشت این سرزمین را دگرگون ساختند و آن را ارتقا بخشیدند. حقیقت، زمانی آشکار می گردد که بدانیم، هم زمان با ایامی که در اروپای قرون وسطا، نظافت و استحمام در فرهنگ مردم جایی نداشت در اندلس به بهداشت، توجه بسیاری می شد. قبل از ورود اسلام، مردم اندلس به بهداشت اهمیت نمی دادند، به طوری که وقتی مسلمانان به این سرزمین پا نهادند، در نخستین اقدام به ساخت حمام در شهر ها مبادرت کردند.<sup>25</sup> گواه این مطلب، تعداد حمام های ساخته شده در شهر های اندلس است، چنان که در قرطبه هفتصد گرمابه عمومی بوده است.<sup>26</sup>

توسعه بهداشت و عملی شدن تحقیقات پزشکان مسلمان، باعث شد تا مسیحیان نیز از ارتقای سطح زندگی برخوردار شوند و در حالی که اروپای مرکزی و شرقی، با مشکل شیوع بیماریهای واگیر دار روبرو بود، در اندلس، عامه مردم از مسلمان و مسیحی، اهمیت بهداشت نزد مردم اندلس از خوراک و پوشاک هم بیشتر شود، تا آنجا که خرید صابون برای نظافت، مهم تر از نان به شمار می رفت.<sup>27</sup>

دانشمندان اندلس در زمینه توسعه علم پزشکی، به سنتهای محلی اروپای قرون وسطی نیز توجه داشتند. شاید بر اثر همین ارتباط بوده باشد که بر خلاف مناطق دیگر جهان اسلام،<sup>28</sup> اطبای اندلسی به کالبد شکافی نیز رغبت یافته و از این طریق توانستند در مورد آسیب شناسی و درمان شناسی، از همکاران شرقی خود پیش افتاده و بسیاری از اشتباهات پزشکان یونانی از قبیل هیپوکراتس Hippocrates و جالینوس Galen را تصحیح کنند.<sup>29</sup>

بدون شک خدمات ارزنده این پزشکان نامدار، در تبادل آثار فرهنگی و اجتماعی و تاثیر دو سویه اسلام و مسیحیت، غیرقابل انکار است، چرا که در خلال این پویشهای علمی، اندیشه و فرهنگ نیز از دیانتی به دیانت دیگر انتقال می یافت. جوزف کامپل، فیلسوف معاصر آمریکا، در کتاب آفریننده



اساطیر، فصلی از تالیف خود را به میراث اسلام<sup>30</sup> اختصاص داده است. او در این فصل، از ارزش معنوی و علمی فرهنگ اسلامی و چگونگی انتقال آن به اروپا به تفصیل سخن گفته است.<sup>31</sup>

### اعزام دانشمندان: فرصتی دیگر برای تعامل و توسعه فرهنگی و تمدنی

اعزام هیئت های متعدد دانشمندان از اروپا به اندلس، فرصت نیکوی دیگری در اختیار فرهنگ اسلامی می گذاشت. طی قرن چهارم قمری / دهم میلادی و پس از آن، دولت های اروپائی حدود نود نفر از استادان اندلسی را که در علوم مختلف تخصص داشتند به کشور خود دعوت کردند. کسانی که علاوه بر زبان عربی، به دو زبان لاتین و اسپانیایی نیز مسلط بودند. نیز، دولت های اروپایی قراردادهایی با شماری کارشناس مسلمان امضا کردند که در کشتی سازی، پارچه بافی، بلورسازی، ساختمان سازی و کشاورزی تخصص داشتند؛ از جمله مهندسان مسلمان، پلی به نام « هلیشم » Helichem بر رودخانه تایمز انگلستان ساختند، که برگرفته از نام هشام، خلیفه اندلس بود و یا در اشتوتگارت آلمان هم سقاخانه ای بنا شد به نام « امیدو»<sup>32</sup> که در واقع تغییر یافته کلمه « احمد» است که همان مهندس مسلمان سازنده سقاخانه بوده است.<sup>33</sup>

مدتی بعد دولت های اروپایی اقدام به اعزام گروه های دانشجویی به اندلس کردند تا علوم و صنایع را از شهرهای بزرگ اندلس فرا گیرند. در حدود سال 170 ق. 790 م، فیلیپ، پادشاه باواریا، طی نامه - ای به خلیفه اسلام در اندلس، از او خواست اجازه دهد گروهی را به سرزمین اندلس اعزام کند تا از نظام اداری و قوانین و فرهنگ اندلس اطلاعاتی کسب کنند و در سرزمین خود به کار گیرند. اما نکته جالبتر آن که از بین 250 نفر اعضای این گروه اعزامی، هشت نفر مسلمان شدند و در اندلس ماندند و سه دختر با بزرگان اندلس ازدواج کردند و فرزندان آنان در زمره دانشمندان اندلس درآمدند.<sup>34</sup> همچنین، دختران دیگری هم از گروه های اعزامی از فرانسه، ایتالیا، آلمان، بلژیک و کشورهای دیگر در اندلس ماندند و به اسلام گرویدند.

در این میان، راهبانی بودند که مایل بودند عظمت مسلمانان را در اندلس به چشم خود ببینند. برخی از آنها پس از پایان تحصیلاتشان به همراه نسخه های علمی به زبان عربی یا ترجمه آنها به زبان لاتینی به سرزمین خود باز گشتند. یک نمونه از این افراد ژربر دو اوریاک،<sup>35</sup> راهب فرانسوی بود که سه سال در اندلس زندگی کرد. او با فراگیری علوم طبیعی، نجوم، ریاضیات و زبان عربی از علمای مسلمان به جایگاه برجسته ای رسید. به نحوی که وقتی به کشورش بازگشت، ریاست مدرسه اسقفی را

به عهده گرفت و در آنجا به تدریس منطق، موسیقی و نجوم مشغول شد. مطالبی که او از آموخته هایش عرضه می‌کرد، در آن زمان از عجایب شمرده می‌شد؛ چون در آن زمان اروپا اهمیتی به این علوم جدید نمی‌داد، لذا او را به جادوگری متهم کردند، اما او بر ایجاد تغییر در جامعه خویش پافشاری کرد و توانست توجه امپراتور آلمان را به خود جلب کند. در سال 378 ق. 999 م، ژربر با نام سیلوستر دوم (999-1003) بر مسند پاپی تکیه زد.<sup>36</sup> بدین ترتیب، تأثیر تبادلات دو فرهنگ و دو دیانت، با تلاش‌های فردی دانشجویانی که از مناطق مختلف اروپا می‌آمدند و علاقه شخصی‌شان آنها را بر می‌انگیخت تا علوم اندلس و شگفتی‌های آن را بشناسند، فزونی گرفت.

### نهضت ترجمه: راز دیگر شکوفایی

در بررسی ارکان شکوفایی تمدنی، باید گفت: از اواخر سده 4 ق. 11 م، که اروپا بنا به علل گوناگونی چون: ایجاد امنیت نسبی، توسعه تجارت، رشد شهرها و از همه مهم‌تر آشنایی با جهان اسلام، بر آن شد تا برای غنی کردن فرهنگ و تمدن خود، به دستاوردهای دیگر تمدن‌ها روی کند، غربیان، اندیشه‌ها و علوم مختلف را از زبان علمی آن روزگار یعنی عربی، به زبان لاتین، زبان علمی اروپای آن عصر برگرداندند. تأثیرات ترجمه کتب علمی مسلمانان در اروپا، بنابه قول ویل دورانت اثری انقلابی داشت و می‌توان از دیدگاه‌های گوناگون آن را مورد توجه قرار داد.<sup>37</sup>

کهن‌ترین ترجمه‌های از عربی به لاتین، مربوط به قرن 3 ق. 10 م و در حوزه ریاضیات و نجوم بود که در اندلس صورت گرفت.<sup>38</sup> با آشنایی بیشتر اندیشمندان اروپایی با پیشرفت‌های شگرف مسلمانان در علوم گوناگون، و عطش اروپا برای کسب علوم مسلمانان، به تدریج، انگیزه‌های صرفاً علمی مدنظر فرهیختگان غرب قرار گرفت چرا که اندیشمندان اروپا از مباحث مورد علاقه کلیسا روگردان بودند.<sup>39</sup>

### مراکز علمی و دانشگاه‌ها: عامل مهم رشد تعامل فرهنگی و تمدنی

در کنار عواملی چون: آشنایی اروپاییان با مراکز علمی مسلمانان، رشد اقتصادی، رونق شهرنشینی و زمینه‌سازی مدارس موجود در کلیساها و دیرها، ترجمه کتاب‌های عربی به زبان لاتین نیز از عوامل مهم رشد شگفت‌انگیز دانشگاه‌های اروپایی، بود. در واقع نخستین دانشگاه‌های اروپایی، نظیر: پاریس، آکسفورد، مونته‌پلیه، ناپل و... زمانی شکل گرفتند که بر اثر نهضت ترجمه کتب مسلمانان، منابع لازم علمی برای ارائه در این دانشگاه‌ها تأمین شده بود.<sup>40</sup>

هم چنان که مسلمانان برای طلب علم، جامه سفر بر تن می‌کردند و برای تلمذ در محضر استادان و علما به مناطق دیگر می‌رفتند، قشر فرهیخته اروپائی نیز، این روش را اقتباس نمود. خاصه که فضای تساهل حاکم بر جامعه و مدارس جامعه اسلامی اندلس، فرصت گردآمدن دانشمندان مسیحی و یهودی و تسهیل شرایط تحصیل علم و در نهایت، روی آوردن طالبان علم از نقاط مختلف اروپا را به دست داده بود. طلبه‌هایی که برخی از آنها، در همین زمینه علمی به مدارج عالی رسیدند، مانند پاپ سیلستر دوم، یکی از پاپهای واتیکان است.<sup>41</sup> به ویژه در آن سالها، امکانات تحصیل علم و از جمله، فراهم بودن کتاب در اندلس، بسیار بیشتر از سایر نقاط جهان بود.<sup>42</sup> در اندلس، سالیانه حدود هفتاد تا هشتاد هزار جلد کتاب تهیه می‌شده، و تنها در قرطبه 70 کتابخانه عمومی وجود داشته است.

فراهم بودن متون درسی و رایگان بودن هزینه تحصیل و دیگر شرایط مساعد تعلیم در اندلس، باعث می‌شد تا جوانان فرانسوی و آلمانی و انگلیسی به اسپانیای مسلمان هجوم آورند و ضمن مطالعه آثار بقراط، ارسطو، بطلمیوس، جالینوس و دیگر مشاهیر، بهره‌مند شوند.<sup>43</sup> گرچه، این تحصیلکرده‌ها، بعدها جذب مکاتب ملی‌گرا و اروپا محوری شدند و دستاوردهای علمی خود را مدیون یونان باستان و محققان عصر کلاسیک دانستند و نقش مسلمین در احیاء و انتقال میراث کهن یونان به غرب را نادیده انگاشتند.<sup>44</sup>

رویه توسعه علمی و تمدنی به دانشگاهها رسید. دانشگاههای نوتاسیس اروپایی عصر جدید، با الگو قرار دادن دانشگاههای اسلامی پایه‌ریزی شدند، چه در زمینه آموزش نظام مند، یا مدیریت مالی و یا دیگر جنبه‌های ساختاری دانشگاه نوین.<sup>45</sup> نظام دستیاری آموزشی، ساختاری است که مسلمانان نخستین بار در مدارس خود بنیان گذاردند.<sup>46</sup> چنین سنتی، که هنوز در نهادهای تعلیمی غرب پابرجاست، یادگار اسلام است. در دانشگاه‌های اروپایی نظیر: بولونیا و پاریس و آکسفورد، برای سهولت پذیرش دانشجویان، آنان را با توجه به تابعیت شان گروه بندی می‌کردند و رواق‌هایی بر اساس ملیت دانشجویان تعبیه می‌شد.<sup>47</sup>

شباهت دیگری که میان دانشگاه‌های اسلامی و اروپایی وجود داشت، پوشش خاص استادان به هنگام سخنرانی‌ها و کارهای اداری بود. پوششی که در مهم‌ترین مراکز آموزشی کشورهای اسلامی رایج بود.<sup>48</sup> اعطای مدرک اتمام دوره تحصیلی، در دانشگاه‌های اسلامی و اروپایی به هم شبیه بود. مدرکی که ارزش علمی آن، در اندلس، جهان اسلام و اروپا با یکدیگر برابر بود.<sup>49</sup>

مسلمانان حتی ریاست دانشگاه ها را به هر فرد با هر ایده و تفکری می سپردند، و در این میان تفاوتی بین مسلمان و مسیحی نبود. لذا، در انتخاب ریاست دانشگاه، گاهی دانشمندان یهودی و مسیحی نیز به این سمت تعیین می شدند.<sup>50</sup>

### زبان عامل موثر در تعاملات و توسعه تمدن

بدون تردید یک از عوامل موثر در ظهور و تثبیت تمدنی، می تواند خود را در قالب کاربرد زبان مشترک نشان دهد. در دوران سیطره فرهنگ اسلامی در اندلس، علاوه بر زبان عربی، که زبان رسمی نهادهای آموزشی و حکومتی بود، زبان لاتینی نیز، در کلیساها و نظامات اداری محلی به کار می رفت. در حالی که اندلسی ها لهجه عربی عامیانه خود را داشتند، مستعربین به لهجه لاتینی خاصی تکلم می کردند که به رومانی معروف بود. این لهجه در میان مسلمانان اندلس هم، به سبب ارتباطشان با ساکنان بومی و به ویژه پس از پیوند خویشاوندی و مسلمان شدن بسیاری از خانواده ها رواج داشت.<sup>51</sup> به عبارت دیگر، آمیخته‌ای از دو زبان اسپانیولی قدیم یا رومانی و زبان عامیانه عربی اندلسی. تجلی چنین تلفیقی را باید در ترانه های مردمی اندلس دید که در خواندن شعر عامیانه اروپایی توسط آوازه خوانان دوره گرد شمال اسپانیا و جنوب فرانسه و ایتالیا منعکس شده بود.<sup>52</sup> حتی، مسیحیان اسپانیا، اشعاری به عربی می سرودند که به لحاظ فنی بر اشعار عرب ها برتری داشت.<sup>53</sup> بر خلاف تلاش برخی محققان اروپائی، که تلاش داشته اند در معنای تاثیرپذیری فزاینده مسلمانان از تمدن لاتینی و کوچک جلوه دادن نقش زبان عربی در اسپانیا، استفاده کنند،<sup>54</sup> باید گفت حضور جامعه عربی-اسلامی، اثرات ویژه خود را بر زبان اسپانیایی به شکل عمیقی بر جای نهاده بود، به طوری که حدود 4000 کلمه از واژگان مرتبط با جوانب گوناگون زندگی مردم، از کشاورزی و تجارت تا سازمان ها، جنگ، علوم و دین.<sup>55</sup> از زبان عربی به زبان مردمان این مناطق وارد شده است.<sup>56</sup> از این رو است که زبان عربی پس از لاتین، بیشترین تاثیر را بر زبان اسپانیایی گذاشته است. شاهد مثال آن که در میان زبان های لاتینی، زبان اسپانیایی تنها زبانی است که غیر از حرف تعریف «ال»، دارای حروف «خ» و «ث» نیز هست.<sup>57</sup> همانند زبان پرتغالی که بسیاری از کلمات عربی الاصل آن را می توان از روی حرف تعریف «ال» باز شناخت.<sup>58</sup>

در باره وجوه دیگر تاثیرپذیری فرهنگ و ادبیات اسپانیایی از ادبیات عرب، جای بحث بسیار است. فقط به همین مختصر اشاره کنیم که در آثار متعددی مانند: هزار و یک شب، سندباد، حی ابن یقظان

، طوق الحمامه و.. نمود پیدا کرده است. بدین ترتیب تاثیر زبان و بویژه زبان عربی را در تمدن می توان درک کرد.

### نتیجه گیری

تا پیش از ورود اسلام به ناحیه ایبری (اندلس)، محدوده جغرافیایی زندگی آنان صحنه نبردها و جدالها بویژه از ناحیه ویزیگوت ها بود. دین اسلام و بویژه حاکمان اموی زمینه شکوفایی تمدن اسلامی را با تکیه بر همبستگی ملی، همکاری و تعاون، بردباری و تحمل، حفظ وحدت و یکپارچگی در جامعه اسلامی و نیز با استفاده از علوم مختلف و ظرفیت دانشمندان فراهم آوردند.

در دوره حاکمیت خلفای اموی بر اندلس، تعامل و تسامح امیران مسلمان نسبت به سایر ادیان و تکاپوی مستمر برای افزایش سطح زندگی و شکوفایی علمی، فرآیند انتقال اندیشه و تمدن متعالی اسلام را از اندلس به ماورای این سرزمین و به ویژه اروپای مرکزی تسهیل نمود. خلاقیت دانشوران مسلمان و پوییش علمی محافل فرهنگی در اندلس، موجد خیره ماندن اروپای گرفتار در زنجیره موهومات و تعصبات قرون وسطی شد و جهان غرب را ناگزیر ساخت تا برای خروج از عصر تاریکی، به ترجمه و برگردان آثار معرفتی مسلمانان دست یازد. تجلی آثار جاویدان معماری، همانند ساخت مساجد، بیمارستان، کاخ و مدرسه و یا انتقال متون علمی و ترجمه شده از دیگر مناطق به اندلس و حمایت از دانشوران و... بخشی از کوشش های ارزنده آنها بود که در سایه تساهل و مدارا محقق گردید. همین روحیه تسامح و اصل رواداری، رشد و شکوفایی علمی و تمدنی را در این خطه از جهان اسلام در پی داشت.

اندلس از لحاظ علم پزشکی نیز پیشرفت های زیادی کرد و اطبای حاذقی را پرورش داد. تبادل دانشمندان و اعزام گروه های دانشجویی فرصتی دیگر برای تعاملات فرهنگی و توسعه تمدنی بود. این منطقه به واسطه واقع بودن در سرحد سرزمین های اسلامی و اروپایی به عنوان دروازه تبادل فرهنگی عمل می کرد و افراد نامداری را پرورش داد. اندلس از لحاظ فلسفه، کلام، شعر و ادبیات نیز رشد کرد. آثار هنری این دوره نیز، مانند مسجد قرطبه، شهر الزهرا و قصر الحمراء، همچنان از عجایب هنر معماری اسلامی در سرتاسر اروپا و از افتخارات فرهنگ و تمدن اسلامی محسوب می شود.

## پی نوشت ها

- <sup>1</sup> - Iberia.
- <sup>2</sup> - Potie.
- <sup>3</sup> - Chalmeta, Pedro (2007), **Mozarabs in: Encyclopaedia of Islam**, Vol 2, eds by: Bearman, Bianquis, Bosworth & van Donzel, Leiden, Brill, pp:242-249.
- <sup>4</sup> - لاپیدوس، ایرا، ام (1374)، **تاریخ جوامع اسلامی**، از آغاز تا قرن هیجدهم، ترجمه محمود رمضان زاده، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ج 1، ص 497.
- <sup>5</sup> - حمیدالله، محمد (1374)، **نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد**، ترجمه سیدمحمد حسینی، تهران: سروش، ص 630.
- <sup>6</sup> - مسعودی، ابوالحسن (1964)، **مروج الذهب و معادن الجواهر**، تحقیق محمد عبدالحمید، چاپ 4، قاهره: چاپ السعاده، ج 1، ص 346.
- <sup>7</sup> - لاپیدوس، همان، ج 1، ص 498.
- <sup>8</sup> - Lopez, Less influences Orientales et L'evil economique de L occident, Vol.1, p.605.
- <sup>9</sup> - آرنولد، توماس (1957)، **الدعوه الی الاسلام**، ترجمه حسن ابراهیم حسن و دیگران، قاهره: مکتبه النهضه المصریه، ص 157.
- <sup>10</sup> - شکیب، ارسلان (بی تا)، **الحلل السندسیه فی الاخبار و الآثار الاندلسیه**، بیروت: بی نا، ص 95.
- <sup>11</sup> - متر، آدام (1384)، **تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری**، ج 2، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر، ص 36.
- <sup>12</sup> - نعنعی، عبدالمجید (1386)، **دولت امویان در اندلس**، محمد سپهری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ص 207.
- <sup>13</sup> - Hajji (1967), **Intermarriage Between Andalusia and Northern Spain in the Umayyad period**, p I-2.
- <sup>14</sup> - لی، آدومیه، **علوم اسلامی و نقش آن در تحولات جهان**، ص 389.
- <sup>15</sup> - Chalmeta, (1965), **Encyclopaedia of islam**, vol.2. p.807.
- <sup>16</sup> - H, Watt (1965). **A History of Islamic Spain**, p 17.
- <sup>17</sup> - بالثیاء، آنخل جنثالث (1955)، **تاریخ الفکر الاندلسی**، ترجمه حسین مونس، قاهره: مکتبه النهضه المصریه، ص 465.
- <sup>18</sup> - بیرشک، احمد (1367)، **زندگینامه علمی دانشوران**، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ج 1، ص 371-372.

<sup>19</sup> - Filip, Hitti(1988), History of the Arabs from the earlist times to the present, p. 576-577.

<sup>20</sup> - Imamuddin(1986), Some Morrish Traditions in Spanish Life, gournal of the Asiatic Society, Vol. XII , p.168-169

<sup>21</sup> - حتی، فیلیپ(1380)، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات آگاه، 432.

<sup>22</sup> - متز، آدام(1384)، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ج2، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر، ص173.

<sup>23</sup> - سزگین، فواد(1380)، تاریخ نگارش های عربی، ترجمه موسسه نشر فهرستگان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، ج3، ص437.

<sup>24</sup> - براون، ادوارد(1364)، تاریخ طب اسلامی، ترجمه مسعود رجب نیا، ج4، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص134.

<sup>25</sup> - دوروتی، لودر(1347)، سرزمین و مردم اسپانیا، ترجمه شمس الملوک مصاحب، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص43.

<sup>26</sup> - مقری تلمسانی(1388)، نفخ الطیب من غصن الاندلس الرطیب، ترجمه احسان عباسی، ج2، ص79؛ 165، Imammudin, op. cit ,

<sup>27</sup> - خسوس، گروس(1381)، گزارش زندگی در اسپانیای اسلامی، ترجمه سید محمد دامادی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ص40.

<sup>28</sup> - نصر، سیدحسین(1359)، علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، چاپ دوم، تهران: خوارزمی، ص172.

<sup>29</sup> - Imamuddin, Muslim spain, p. 167. Brown,R.F(1975), Contemporary Spanish Dictionary,p83.

<sup>30</sup> - Leogacy of Islam.

<sup>31</sup> - نورالدین، آل علی(1370)، اسلام در غرب (تاریخ اسلام در اروپای غربی)، تهران: دانشگاه تهران، ص350.

<sup>32</sup> - Amedeo

<sup>33</sup> - گابریلی، فرانچیسکو(1988)، الاسلام فی عالم البحر المتوسط، ترجمه محمد زهیر سمهوری، کویت: عالم المعرفة، ص92-93.

<sup>34</sup> - التکریتی، سلیم(1968)، «أوربا ترسل بعثاتها إلى الأندلس لتلقى العلوم فی جامعاتها» در: مجله اسلامی الوعي، ش37، سال4، ص91.

<sup>35</sup> - Gerbert d' Aurillac.

<sup>36</sup> - هونکه، زیگرید(1372)، فرهنگ اسلام در اروپا، ترجمه مرتضی رهبانی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج4، ص143.

- <sup>37</sup> - ویل، دوران (1366)، **تاریخ تمدن**، ج 4، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی. ص 1233.
- <sup>38</sup> - لیندبرگ، دیوید (1377)، **سرآغازهای علم در غرب**، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: علمی و فرهنگی، ص 276.
- <sup>39</sup> - حسین زاده شانه چی، حسن (1380)، «**ترجمه متون علمی مسلمانان در اروپا**»، در: فصلنامه تاریخ اسلام، ش 8، ص 38.
- <sup>40</sup> - دوران، **تاریخ تمدن**، ص 1233.
- <sup>41</sup> - آلدومیه، لی (1370)، **علوم انسانی و نقش آن در تحولات علمی جهان**، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ص 508.
- <sup>42</sup> - قربانی، زین العابدین (1370)، **تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی**، چاپ دوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص 67.
- <sup>43</sup> - روسو، پی یر (1349)، **تاریخ علوم**، ترجمه حسن صفاری، تهران: امیرکبیر، ج 5، ص 127.
- <sup>44</sup> - زرین کوب، عبدالحسین (1380)، **کارنامه اسلام**، چ هشتم، تهران: امیر کبیر، ص 169.
- <sup>45</sup> - ذنون طه، عبدالواحد (1391)، **کندوکاوی در تاریخ و تمدن اندلس**، ترجمه حجت رسولی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص 260.
- <sup>46</sup> - عاشور، سعید عبدالفتاح (1977)، «**التعلیم العالی فی العصور الوسطی**» فی: بحوث و دراسات فی التاریخ العصور الوسطی، بیروت: دار الاحد، صص 440-481.
- <sup>47</sup> - یونگ، لوئیس (1979)، **العرب واوربا**، ترجمه میشل ارزق، بیروت: دارالطیعه، ص 131، دوران، **تاریخ تمدن**، ج 4، ص 81.
- <sup>48</sup> - یونگ، همان، ص 130. و Brown, R.F (1975), *Contemporary Spanish* P214  
Dictionary.
- <sup>49</sup> - یونگ، همان، ص 132.
- <sup>50</sup> - عاشور، همان، ص 482.
- <sup>51</sup> - هیکل، احمد (1971)، **تاریخ الادب الاندلسی، من الفتح إلى سقوط الخلافة**، قاهره: دارالمعارف، ص 46-47.
- <sup>52</sup> - Mackey (1977), *Spain I the Middle Ages*, London, The Macmillan Press Ltd, pp. 91-93.
- <sup>53</sup> - پروونسال، لوی (1951)، **سلسله محاضرات عامه فی ادب الاندلس و تاریخها**، ترجمه عبدالهادی شعیره، قاهره: بی نا، ص 72.
- <sup>54</sup> - کرومبی، اس (1371)، **از اگوستین تا گالیله**، ج 2، ترجمه احمد آرام، تهران: سمت، ص 306.



<sup>55</sup> -Dozy(1928), *Glossaire des mots espagnols et portugais derives de I arabe*, Madrid, p.705-719

<sup>56</sup> - مظهر، جلال(1967)، *اثر العرب فی الحضاره الاوربيه*، بیروت: ص245. یونگ، *العرب و أوروبا*، ص 212.

<sup>57</sup> - Elliott, *Some influences of Arabicon Moderen Spanish*, *Adab Al-Rafidayn*, Vol. IX, p. 32.

<sup>58</sup> - Velozo, *The Problem of Arabic – Islamic Influence In Portuguese Civilization*, p.52.

## **Effective and Effective Factors in the Flourishing of Islamic Civilization in Islamic Spaniards of the Umayyad**

Seyyed Abbas Vaziri

Dr. Ahmad Ashrafi

Dr. Mohammad Nabi Salim

After the formation of the Islamic state by the Prophet in Yathrib, Islamic civilization also became a symbolic foundation. Following the spread of Islam in the Arabic, Mesopotamian, Iranian, Roman, Egyptian, North African and, eventually, southern European, Islamic civilization entered a new stage. Therefore, further efforts were made to flourish, develop and transfer Islamic civilization. Before the Muslims arrived in Islamic Spain, they were not in a good position in terms of culture and civilization. With the establishment of the Umayyad rule (138-242 AD), the Umayyad rulers sought to flourish Islamic civilization in this area with deception, tolerance and civilian rationality. What is emphasized in this paper by relying on the historical method is: what factors influenced the flourishing of Islamic civilization in the Islamic state of the Umayyad era? Research findings indicate that the secret of success in the Umayyad period is religious teachings, rational governance, scholarly endeavors and tolerance of rulers that have led to the growth of Islamic civilization.

**Keywords:** Muslims and Christians, civilization flourishing, tolerance of rulers, Islamic Spain, Umayyad period.